

متن پرسش

با سلام. استاد معنای واقعی "توکل" چیست؟ من کتب زیادی از جمله چهل حدیث امام ره را خوانده ام اما هنوز متوجه نشدم مفهوم واقعی "توکل" چیست؟ گاهی توکل میکنیم در کاری اما نتیجه آن کار علی الظاهر آنقدر بد از آب در می آید که انسان خودش میماند. آیا وقتی توکل میکنیم بدین معناست که این بد شدن نتیجه ظاهری است و نهایتاً خدا آنچه صلاح بنده اش بوده را انجام میدهد؟ و سوال بعدم این است که آیا در زندگی ما هرکاری صورت میگیرد و هر اتفاقی ولو کوچک می افتد هدفمند و از روی حکمت خداست؟ و یا فقط اتفاقات مهم زندگی انسان مانند ادامه تحصیل و ازدواج و اینها از روی حکمت خاصی در آفرینش انجام می شود؟ سوال سوم اینکه آیا کسانی که توکل دارند با کسانی که توکل ندارند فرقی فقط در آرامشی است که متوکلان دارند اما نتیجه کار برای هر دو یکی است؟ آیا این گونه نیست که خداوند مصلحت متوکلین را تامین کند؟ باسپاس

متن پاسخ

باسمه تعالی، علیک السلام: اجازه دهید تا نظر عالم ربانی علامه مولی مهدی نراقی را در کتاب جامع السعادات در مورد توکل عرض کنم که نظری بسیار جامع می باشد و امید است جواب سوال خود را از آن بگیرید: «توکل یکی از منازل دین، و مقامی از مقامات اهل یقین، بلکه یکی از معانی درجات مقربین است. توکل در مرحله درک بسی غامض و پیچیده و در مقام عمل مشکل است. در مرحله علم پیچیده است چون در نظر گرفتن و اعتماد بر اسباب شرک و غوطه خوردن در ورطه جهل است و بی اعتنائی کامل به آنها طعن در سنت و قدح در شرع مقدس است و تحقیق مطلب اینکه: توکلی که در شرع مقدس به آن امر شده عبارت از آن است که قلب در تمام امور به خدا اعتماد نموده از غیر او منقطع شود، بنابر این تحصیل اسباب با توکل قلب منافات ندارد، مشروط به اینکه انسان بر اسباب تکیه نکند و آرامش و سکونش تنها با نام خدا باشد. و از یاد نبرد که خدای تعالی می تواند بدون این اسباب و وسائل مطلوبش را از طریقی که گمان نمی کند عطا فرماید، چنانکه می تواند این اسباب را چنان بی خاصیت کند که اثر طبیعی خود را نبخشند» به عبارت دیگر شرط توکل آن است که انسان اثر بخشی را از ذات اقدس حق تعالی بداند و به این لطیفه ایمان آورد که اگر او نخواهد هیچ سببی مسبب خود را به دنبال نخواهد داشت، و هیچ مؤثری اثر طبیعی خود را بجای نخواهد گذاشت». «اگر کسی این مطالب را در نظر داشته باشد می تواند برای تهیه اسباب و وسائل معاش تلاش کند، بدون اینکه در توکلش خدشه ای وارد شود». اعم از اینکه اسباب و وسائل برای جلب منفعتی باشد، یا برای

دفع ضرری که ممکن است وارد شود، یا برای علاج آفتی که وارد شده. و اعمّ از اینکه اثر بخشی این اسباب قطعی باشد مثل دراز کردن دست برای رساندن غذا به دهان، یا احتمالی مثل برداشتن توشه برای سفر، حمل سلاح برای دفع دشمن، حمل متاع برای تجارت، ذخیره کردن برای زمان نیاز، مداوا برای دفع ضرر، اجتناب از خواب در محل درندگان، گذرگاه سیل و زیر دیوار شکسته، بستن در برای جلوگیری از دزد، بستن چهار پا و امثال آن. اما توجه به اسبابی که چون استعانت از قوای غیبی موهوم، فال و دقت بسیار در عواقب امور اثر بخشی آنها وهمی است با توکل منافات دارد، زیرا این امور در نزد عقلاء جزء اسباب زندگی نیستند. و نه تنها خدای متعال به آن امر نکرده بلکه از آن نهی فرموده است. بنابر این معنی توکل - چنان که احمق‌ها می‌پندارند - این نیست که انسان چون پاره کهنه‌ای بر زمین و یا تکه گوشتی بر تخته قصابی بیفتد و کسب و تحصیل معاش را رها کرده و دست از تدبیر عقلی بشوید. زیرا این جهل محض و در شرع مقدس حرام است، چون انسان مکلف است به وسیله اسبابی که خدای تعالی به او نموده - چون زراعت و تجارت و صنعت - از طرق حلال در طلب روزی سعی کند. و همانطور که نماز، روزه و حج عباداتی هستند که خداوند بر بندگان تکلیف نموده، و باعث تقرب به خدا می‌شوند، طلب رزق حلال عبادتی است که خداوند بندگان را به آن مکلف نموده است، تا بدین وسیله به آن تقرب جویند. بلکه برترین عبادات است، چنان که در روایت است که عبادت هفتاد جزء است که برترین جزئش طلب حلال است. ولی خداوند سبحان علاوه بر این تکلیف، بندگان را مکلف نموده تا فقط بر ذات اقدس او اعتماد کنند، نه به اسباب و وسائل. همچنانکه آنها را مکلف نموده است بر اعمال نیک خویش اعتماد نکنند، و اعتمادشان تنها به فضل خدا باشد. و به همین خاطر است که شرع مقدس ما را به میانه روی در کسب مأمور کرده از ترک کامل و توجه کامل به کسب منع فرموده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: جبرئیل به من الهام کرده است که هیچ کس تا تمام روزی خود را از خدا نگیرد نخواهد مرد، پس تقوا پیشه کنید و در طلب روزی میانه رو باشید و امام صادق علیه السلام فرمود: در طلب روزی از کسی که خود را ضایع کرده است و دنبال کسب نمی‌رود جدی‌تر باش، و از حریصی که به دنیا راضی شده و به آن تکیه نموده است کمتر سعی کن، در این باب به منزله شخص منصفی باش که عفت پیشه نموده، و خود را از منزله انسان سست ضعیف برتر بدان و به مقدار ضرورت کسب کن. زیرا آنان که مال به ایشان عطا شد و شکر بجای نیاوردند مالی ندارند. اگر چه خدای تعالی قادر است مطلوب بندگان را بدون وساطت اسباب و علل عنایت کند، ولی توجه به اسباب قطعی و احتمالی با توکل منافات ندارد، زیرا خدای تعالی ابا دارد که امور را از غیر مجرای عادی و اسباب طبیعی انجام دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا دوست دارد که بندگان مقاصد خود را به وسیله اسبابی که برای آنها قرار داده و مردم را به آن ارشاد فرموده، از او بخواهند. « موفق باشید